

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلامی ۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
از بزرگترین گناهانی که موجب نافرمانی خداوند سبحان می شود کفر به اوست. و آن در مرتبه ای از گناهان است که بالاتر از آن گناهی دیگر وجود ندارد و کافر در ترازوی الله سبحانه و تعالی پست ترین و پایین ترین منزلت را دارد. رسول الله ﷺ می فرماید: «لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةَ مَاءٍ» (اگر دنیا نزد خداوند به اندازه بال پشه ای ارزش داشت کافران از آب آن به اندازه یک جرعه نیز نمی نوشیدند.) (ترمذی فی جامعه والضياء فی المختارة وصححه الألبانی)
به همین خاطر جزو رحمت خداوند نسبت به بندگانیش این است که ایمان را بر آنها واجب گرداند و آنها را از کفر و عواقبش ترسانند. و برای آنها آنچه که کافر از عذاب همیشگی به سویش در آینده ای نزدیک دچار می گردند، بیان داشت. و این ترساندن از کفر فقط در حق کافر نمی باشد بلکه شامل مسلمان نیز می گردد از آن جهت که شریعت اسباب کفر و مرتد شدن از اسلام را بیان داشته و حتی مسلمانان را هم از آن برحذر می دارد و او را بر محافظت دینش وامی دارد که آن با ارزشترین چیزی است که مالک شده است. پس شریعت بیان داشته که سخت ترین و بزرگترین چیزی که باعث کفر می گردد کفر جحود و انکار می باشد. مانند کفر کفرانی که وجود خداوند سبحان را نفی نمودند و گفتند: خدایی وجود ندارد و حیات تنها همین

زندگی مادی است. ایشان به وجود پروردگار اعتراف نمی کنند و به خداوند ایمان ندارند و زندگی از دیدگاه آنان همین گردش روزگار است و در اثنای این گردشها دسته ای هلاک می شوند و تعدادی تا زمانی مشخص زنده می مانند تا اینکه حیات آنها به پایان می رسد و به هلاکت می رسند. و اینگونه فهم کردند که زندگی دلچسبی است که روح ندارد و با این منطق بر انسان حکم کردند و در ساده لوحی مطلق خود را به گمراهی زدند درحالیکه هر انسانی نیاز به دینداری را احساس می کند و خدایی که او را پرستد و به او تقرب جوید. با منطقتشان با این داعی فطرت و عقل مخالفت کردند و موجودی بدون آفریننده و ساخته شده ای بدون سازنده را اثبات کردند و آن را به بوجود آمدن تصادفی و اتفاقی ارجاع دادند. داخل در حصار و دیواری شدند که معقول و منطقی نیست کسی در آن را وسیع گرداند. در حالیکه آن از مبتدی ترین و ابتدایی ترین چیزهایی است که به وسیله آن کودکان قبل از بزرگترها به آن باور دارند که همانا به وجود آمده نیاز به وجود آورنده و ساخته شده نیاز به سازنده دارد. سرگین دلالت بر شتر و اثر دلالت بر مسیر دارد. و این مخلوقات با این کمال و نظام هماهنگ دلالت بر خداوند حکیم و خبیر دارد.
و از اقسام کفر جحود و انکار تکذیب و به دروغ دانستن آنچه به ضرورت دانسته میشود که جزو دین است یا به مفهوم واضح تر دروغ دانستن آنچه که به

طور قطعی به دین نسبت داده شده است. مثلاً کسی واجب بودن نماز، روزه ماه رمضان، زکات، یا واجب بودن جهاد یا مانند اینها را بدون عذر شرعی تکذیب کند کافر شده زیرا قرآن که بر فرض و واجب بودن آن دلالت دارد را تکذیب کرده است.

علما در این مورد بدون هیچ اختلافی اتفاق نظر دارند. قاضی عیاض می گوید: "... و همچنین هرکس قاعده ای از قواعد شریعت را تکذیب و انکار نماید و آنچه را که حالت تواتر دارد مانند واجب بودن نمازهای پنجگانه را انکار نماید قاطعانه تکفیر می کنیم." (الشفاء 1073/2)

از سببهای کفر: دشنام دادن چیزهای با اهمیت در شرع و تحقیر کردن آن مانند دشنام دادن به الله جل و علا، دشنام دادن به رسول الله ﷺ، دشنام دادن به ملائکه کرام، یا لگدمال کردن قرآن و پرتاب کردن آن در نجاسات که همه اینها از اسباب کفر می باشد. قاضی عیاض می گوید: "بدان هرکس قرآن یا ورقهای آن یا چیزی از آن را خوار نماید یا آن دو را دشنام دهد... آن شخص نزد اهل علم کافر است." (الشفاء 11012)

از اسباب کفر همچنین: شک نمودن در حکمی از احکام خداوند یا خبری از اخبار او، مانند کسی که در زنده شدن، محشور گردیدن، بهشت و جهنم شک کند یا در واجب بودن نماز، روزه، حج و زکات که از اموری هستند که بر مؤمن واجب است تا به آنها ایمان قاطع داشته باشد، شک نماید در حالیکه الله سبحانه و

تعالی ایمان مطمئنی که با شک مخلوط نشده باشد را مدح می کند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حجرات 15)

«همانا ایمانداران کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان دارند سپس دچار شک و تردید نمی شود و با مال و جانشان در راه الله جهاد می کنند آنها به حقیقت راستگویند.» و رسول الله ﷺ می فرماید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولَ اللَّهِ لَا يَلْقَى اللَّهُ بِهِمَا عَبْدٌ غَيْرَ شَاكٍّ فِيهِمَا إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ» (مسلم) «شهادت

می دهم که هیچ معبود برحق جز الله نیست و من رسول خدا هستم و بنده ای به وسیله این دو خدا را ملاقات نمی کند در حالیکه شک و شبهه ای در تصدیق آن دو ندارد مگر اینکه داخل بهشت می شود.»

و از جمله اسباب کفر همچنین استهزاء و به مسخره گرفتن هر چیزی از دین می باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ لَا أَبْاللَّهِ وَءَايَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ﴾ (توبه 65-66) «و نعتذروا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ» (توبه 66)

اگر از ایشان پرسى مسلماً خواهند گفت ما فقط شوخی و بازی می کردیم بگو آیا خدا و آیات او و پیامبرش را به ریشخند می گیرید؟ بهانه نیاورید شما بعد از ایمانتان کافر شدید». شیخ الاسلام ابن تیمیه در کتاب "الصارم المسلول علی شاتم الرسول" می گوید: «این نص در

مورد این است که استهزاء به الله، آیات و رسولش کفر می باشد.» پس بر مسلمان واجب است از این پرتگاههای خطرناک دوری گیرند و هرکس خواست بازی و شوخی کند پس با دینش شوخی نکند.

اینها بعضی از انواع کفر بودند که می شود سخنی باشد که بر زبان جاری، یا اعتقادی که در قلب موجود، یا عملی که با جوارح انجام گیرد. و کفر در تمام اشکالش قبیح و زشت است در حالیکه آن اعتدا و درازدستی بر پروردگار سبحان است. بنابراین از حکمت باری تعالی این است که مجازات کفر را از سخت ترین و شدیدترین مجازاتها قرار داده است. بهشت بر کافر حرام است و ماندگاری و ابدی بودن در آتش جهنم را بر او واجب کرده است. و درخواست مغفرت و بخشش را بر او حرام کرده یا اینکه شفاعت کننده در حق او شفاعت کند. همه اینها نهایت عقوبت و سختی را می رساند زیرا این گناه در بالاترین درجات قباح و زشتی می باشد.